



Investigating the professional and press activities of "Abdul Hossein Sapenta" in the Persian newspapers of the Indian and Iranian subcontinents

Hamidreza EshghiPour¹ | Behnaz RafieiMoghadam² |

1. PhD in culture and communication, lecturer, researcher in the field of culture, communication and media, Esfahan, Iran. E-mail: dr.hamideshghi@gmail.com

2. Corresponding author, Media and news researcher Esfahan, Iran. E-mail: bhnzrafiei@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 September 2022

Received in revised form 23

October 2022

Accepted: 19 November 2022

Published online: 21 December 2022

ABSTRACT

The structural penetration of written media, thanks to Gutenberg's completion of the printing industry from Europe, on the world's newspapers and press, is an undeniable issue. Based on the researches and findings of Persian written media experts, especially the geographical area of Iran, Tajikistan, India, Pakistan, Afghanistan, parts of Turkey, Iraq, Syria, etc., where the Persian language is the center of their verbal communication, the historical impact of the press The Farsi of the Indian subcontinent (Akhbarat) is determined and proved by the layout and morphology of their Persian newspapers, and it is a clear example of those newspapers during the constitutional period until several decades after that. "Abdul Hossein Sepanta", an Iranian thinker, journalist, poet, writer, writer, historian, researcher, translator and artist, whose title is known in the public opinion with the film "Ler's Girl", plays a significant role in the context of media interactions between India. And Iran has created a scholar and has exerted a penetrating influence on the common patterns of content, arrangement, theme and form of contemporary newspapers. This research, while referring to some well-argued passages about the influence of the Persian-language press of the subcontinent on Iranian Persian newspapers, explains the biography of Spanta's media and press career and his achievements.

Keywords:

Abdul Hossein Sepanta,
content arrangement,
Indian subcontinent,
Iran,
newspapers,
Persian journalism,
press,

Cite this article: EshghiPour1, Hamidreza., RafieiMoghadam, Behnaz. (2022). Investigating the professional and press activities of "Abdul Hossein Sapenta" in the Persian newspapers of the Indian and Iranian subcontinents. *News Science*, 11 (43), 11-32.





بررسی فعالیت‌های حرفه‌ای و مطبوعاتی «عبدالحسین سپنتا»، در جراید فارسی شبه‌قاره هند و ایران

حمیدرضا عشقی‌پور^۱ | بهناز رفیعی‌مقدم^۲ |

۱. دکترای فرهنگ و ارتباطات، مدرس، پژوهشگر حوزه فرهنگ، ارتباطات و رسانه رایانامه: dr.hamideshghi@gmail.com

۲. نویسنده مسئول محقق و پژوهشگر رسانه و اخبار. رایانامه: bhznzrafi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	رسوخ ساختاری رسانه‌های مکتوب به مدد تکمیل صنعت چاپ توسط گوتنبرگ از اروپا بر شاکله جراید و مطبوعات جهان، موضوعی غیر قابل انکار است. بر اساس پژوهش‌ها و یافته‌های خبرگان رسانه‌های مکتوب فارسی، به ویژه گستره جغرافیایی ایران، تاجیکستان، هندوستان، پاکستان، افغانستان، قسمت‌هایی از ترکیه و عراق و سوریه و ... که زبان فارسی محور ارتباطات کلامی آنهاست، تأثیر تاریخی مطبوعات فارسی شبه‌قاره هند (اخبارات) بر چینش و ریخت‌شناسی جراید فارسی آنها متعین و مبرهن است و مصداق واضحی بر آن جراید دوران مشروطیت تا چندین دهه بعد از آن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۰	«عبدالحسین سپنتا»، متفکر، روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده، ادیب، مورخ، محقق، مترجم و هنرمند ایرانی که عنوانش با فیلم «دختر لر» در افکار عمومی شناخته می‌شود، نقشی بسزا در بستر فعل و انفعالات رسانه‌ای مابین هند و ایران محقق ساخته و تأثیرات تکوینی نافذی بر الگوهای رایج محتوایی، چیدمانی، مضمونی و صوری جراید هم عصرش ایفا نموده است. این پژوهش ضمن اشاره به فرازهایی مستدل از تأثیر مطبوعات فارسی زبان شبه‌قاره بر جراید فارسی ایرانی به تبیین شرح حال حرفه‌ای رسانه‌ای و مطبوعاتی «سپنتا» و دستاوردهای وی می‌پردازد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۸/۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها: ایران، روزنامه‌نگاری فارسی، شبه‌قاره هند، جراید، چینش محتوا، عبدالحسین سپنتا، مطبوعات	
استناد: عشقی‌پور، حمیدرضا؛ رفیعی‌مقدم، بهناز؛ (۱۴۰۱). بررسی فعالیت‌های حرفه‌ای و مطبوعاتی «عبدالحسین سپنتا»، در جراید فارسی شبه‌قاره هند و ایران. علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۱۱-۳۲.	



مقدمه

لغات «چاپ» و «چاپخانه» از همین دوره از هندوستان وارد زبان فارسی شده و سرمنشاء آن از واژه‌های «چاو» و «چاوخانه» می‌باشد. علی‌اکبر دهخدا، لغت چاپ را از ریشه «چهاپ» یا «چهاپه» سانسکریت برمی‌شمارد (مسعودی، ۱۳۷۹: ۶۱). نخستین چاپخانه در ایران، دردوران صفویان توسط کشیشان ارمنی در جلفای اصفهان احداث شد و در آن چاپ اوراق، با موضوعات آگاهی‌رسانی، ادعیه، انجیل و... انجام می‌گرفت (مسعودی، ۱۳۷۹: ۶۲). حضور فارسی‌زبانان، در کشورهای هند، ترکیه، انگلیس، فرانسه، مصر و قفقاز و... محل پیدایش جراید فارسی در آنجا شد (مرادف، ۱۳۹۸: ۲۸۰)، گاه تأثیر مطبوعات فارسی خارج از ایران بر افکار عمومی مردم داخل کشور از جراید چاپ شده پیشروتر و نافذتر بود (رابینو، ۱۳۸۰: ۵۵). چاپ نخستین روزنامه فارسی زبان متعلق به متفکری هندی بنام «رام مهان‌روی» است که با عنوان «مرآت الاخبار» در سال ۱۳۲۴ق، انتشار یافت و بر تاریخ ظهور «کاغذ اخبار میرزاصالح» (قریب به ۳۰ سال تقدم زمانی دارد. عمده دلیل رواج این روزنامه در قرن نوزدهم میلادی در هندوستان، استفاده از زبان فارسی، بعنوان زبان رسمی و دیوانی آن است (آدمیت، ۱۳۵۵: ۶۷)، تا حد زیادی شاکله سازی بنیادین مطبوعات فارسی مرهون طبیعت فکری، نخبگانی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در پیوند با اهداف سیاسی و اقتصادی و تعاملات سازنده مهاجران و مسافران مابین دو تمدن دیرینه ایرانی و هندی و دیاسپوراهای علاقه‌مند به موطن مادری است.

از انتشار جراید در ایران قریب به دو سده (شاه‌صفی صفوی تا فتحعلیشاه قاجار) اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما خاطرات سیاحان و شرق‌شناسان غربی، موید است که در دوره نادرشاه افشار و زندیه جزوه‌های وقایع نگارانه‌ای به زبان‌های فارسی، لاتینی و عربی به شکلی پراکنده در اقصی نقاط ایران و بخصوص در اصفهان به دلیل حضور پیروان ادیان توحیدی و اقوام مختلف منتشر می‌گردید (آذرنگ، ۱۳۷۸: ۲۴۴). جراید بشکل امروزی از دوران ولایت عهدی عباس‌میرزا به بعد در ایران منتشر شده و نقش «میرزاحمدصالح شیرازی» در ساختارمهندسازی نشریات به سبک اروپایی مطابق با استانداردهای رایج آن دوران انجام می‌گرفت (افشار، ۱۳۴۹: ۳۳). نشریات یا مطبوعات مشتمل بر روزنامه، جریده، مجله، صحیفه، ماهنامه و فصلنامه از ره‌آورد‌های تمدنی و فرهنگی جامعه جهانی است که از دوره قاجار در ایران رواج یافت (محیط‌طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۸). مطبوعات، به‌عنوان رسانه نخبگانی، تأثیر بسزایی در تعالی و کمال اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع ایفا می‌نماید (معتمدنژاد، ۱۳۸۰: ۳۱). اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی بر تقلید شیوه روزنامه‌نگاری از ملل پیشگام حوزه چاپ و کتابت به ایران تصریح نظر دارند.

تعاملات فرهنگی، اجتماعی، ادبی و زیستی مابین دو کشور هندوستان و ایران بر شیوه نگارش، تهیه، تنظیم، تدوین و انتشار محتوای مکتوبات، موثر بود. اشاعه معارف و اندیشه‌های ناب بین دو پهنه شبه‌قاره هند و ایران به مدد زبان و رسم الخط فارسی و

تشابهات فرهنگی و زیستی میان دو ملت؛ دستمایه رسوخ گسترده تبادلات فکری و زیستی میان دو جغرافیا شده‌است (علی‌اف، ۲۰۰۱: ۱۶). مراد مرادف، مدرس روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان معتقد است، محتوا و شیوه چیدمان نشریات در ممالک دارای صنعت چاپ و پیشگام در حوزه جراید ازجمله اروپا در روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان، توانست در جنس و چیدمان محتوا، قالب‌ها، مضامین و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نگاری در میان فارسی‌زبانان و بخصوص ایرانیان تأثیرات شگرفی اعمال نماید (مرادف: ۱۳۹۸: ۲۷۹). اقوام و پیروان ادیان توحیدی ایرانی در اعصار گذشته با بهره‌مندی از فضای دنج و فرهنگ غنی جاری میان ملل پارس و هندوستان، دارای تعاملات عدیده بوده و

ردیف	نام روزنامه	نام مدیر	شهر	سال انتشار میلادی	زبان انتشار
۱	مفتاح‌النفوس	سید حسن کاشانی (موبد الاسلام)	کلکته	۱۸۹۷	فارسی
۲	آزاد	سید حسن کاشانی	کلکته	۱۸۹۹	فارسی
۳	لودیانه اخبار	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۴	حل‌المشکل	موبد الاسلام	کلکته	۱۸۹۶	فارسی
۵	سکندر	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۶	سلطان‌الاجبار	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۷	ملک و ملت	موبد الاسلام	کلکته	۱۹۰۴	فارسی
۸	اصلاح	محمدنصرتا پورشهری	بمش	۱۹۰۹	فارسی
۹	مدرس فارسی	میرزا جعفر و میرزا محمد صادق	بمش	۱۸۸۳	فارسی و انگلیسی
۱۰	جام جهان‌نما	-	بمش	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۱	جام جمشید	-	بمش	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۲	چاپک	-	بمش	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۳	کوکب ناصری	آقا میرزا مصطفی	بمش	۱۸۹۲	فارسی و انگلیسی
۱۴	دعوت الاسلام	محمدعلی حسینی داعی الاسلام	بمش	۱۹۰۶	فارسی و اردو
۱۵	نامه وطن	صحاف باشی	حیدرآباد	۱۹۰۸	فارسی
۱۶	سیدالاجبار	آسید آقا شیرازی	حیدرآباد	۱۸۸۹	فارسی
۱۷	قند پاریسی	محمد احسن الله	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۸	آزاد دهلی	-	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۹	مفرح القلوب	محمد شفیق و محمد جعفر	کراچی	۱۸۸۵	فارسی

^۱ - سفرنامه‌نویس، روزنامه‌نگار و نماینده عباس‌میرزا قاجار در انگلیس که در سال ۱۸۳۷ «کاغذ اخبار» را منتشر

همواره در راستای تقویت و تعالی ارکان یکدیگر کوشیده‌اند. بررسی عرفی و تحلیل مضمونی جراید فارسی هند، نشان می‌دهد ۱۹ روزنامه فارسی چاپ شده در هندوستان، از نظر محتوا، شیوه نگارش، سبک تنظیم، کاربست آرایه‌های مطبوعاتی پیش از نهضت مشروطه ایران تا چند دهه بعد از آن، بر فرهنگ نویسایی و تربیت روزنامه‌نگاران ایرانی تأثیر متناهی داشته‌اند. فعالیت روزنامه‌گاران همچون: مویدالاسلام، محمدرضا بوشهری، میرزاجعفر و میرزامحمد صادق، میرزامصطفی، محمدعلی حسینی داعی‌الاسلام، عبدالحسین سپنتا و... (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۵) و تاسی جریده «صوراسرافیل» از «حبل‌المتین» در قالب صوری و مضامین چاپی (فرجی، ۱۳۹۹: ۱۸) شمه‌ای از این رویکرد است. هندوستان در طول تاریخ همواره مامن مهاجران و منورالفکرهای ایرانی خسته از اتفاقات وطن بوده که بر دامنه تبادلات فزاینده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای دو کشور اعتبار بخشیده‌اند (راپینو، ۱۳۸۰: ۳۰). در ابتدای قرن نوزدهم میلادی پیش از وقوع جنگ جهانی دوم، ممالک عثمانی با ۸، مصر با ۵، عراق با ۴، فرانسه با ۳، آذربایجان با ۲، آمریکا با ۲، تاجیکستان و گرجستان و سوئیس و عربستان مجموعاً با ۱۲ عنوان روزنامه فارسی و هندوستان با بالغ بر ۱۹ روزنامه فارسی از جایگاه شاخصی حائز اهمیتند.

نقش دیرباز پارسیان و تأثیر عمیق آنها بر تعاملات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مابین هندوستان و ایران از جایگاهی خاص در تبادلات ملموس و ناملموس هنر، فرهنگ و رسانه، از جمله: پوشش رسانه‌ای وقایع و رخداد های ایران در جراید و رسانه‌های هندوستان از آستانه مشروطیت به بعد با انتشار روزنامه‌های مرآت‌الخبار، حبل‌المتین، جام‌جهان نامه، میراث‌الخبار، پنجاب، جام‌جمشید، چابک، سکندر، سلطان‌الخبار، لودیانه‌الخبار، مفرح‌القلوب، آزاد، سیدالخبار، کوب‌ناصری، مفتاح‌الظفر، دعوت‌الاسلام، قندپارسی، اصلاح؛ تأسیس رادیو BBC فارسی؛ ساخت فیلم‌های ناطق فارسی و... اشاره کرد.

ایرانیان مهاجر «مطبوعات در تبعید» را منتشر ساختند و هندوستان همواره به‌عنوان میزبان قدیمی ایرانیان و عمده‌ترین پایگاه تحولات فکری و فرهنگی بخصوص در آستانه انقلاب مشروطه ایران قلمداد می‌شود (مولانا، ۱۳۷۲: ۱۰۹). فزونی روزنامه‌های فارسی و روی‌آوری مردم به خواندن آنها خصوصاً «حبل‌المتین» کلکته در شکل‌گیری و پیشبرد اهداف جنبش مشروطه‌خواهی ایران بسیار مؤثر بود (کسروی، ۱۳۶۹: ۳۹). «حبل‌المتین» در سال ۱۲۷۲ شمسی در کلکته به همت مویدالاسلام چاپ شد. این جریده مطابق با نحوه تنظیم و تدوین محتوا و صفحه‌آرایی جراید رایج هندوستان که از سبک و چیدمان محتوایی و صوری جراید انگلیسی تبعیت می‌کردند، تنظیم و منتشر می‌شد (Browne, 1890: 257).

انتشار موفق «حبل‌المتین» زمینه‌راه‌اندازی نخستین مؤسسه مطبوعات فارسی بین‌المللی در دوران قاجار را محقق نمود. مؤسسه‌ای که شماری مکتوبات، مرقومات و نشریات با عناوین مختلف به زبان های اردو، انگلیسی و فارسی در ایران و هند چاپ و منتشر می‌کرد و نقشی بنیادین در توسعه ارکان تهیه، تنظیم، تدوین و انتشار جراید برای علاقه‌مندان و مخاطبان فارسی زبان جنوب آسیا و خاورمیانه ایفا می‌نمود (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۰۹). راه‌اندازی چاپخانه «پیشگام حبل‌المتین» در اصفهان به اهتمام مویدالاسلام و با شراکت سیدعلی محمد موسوی (گلستانه) و پسران در سال ۱۲۹۷ شمسی نشان از تأثیربخشی راهبردی اصفهان در مدیریت افکار نخبگان ایران در آن دوران داشت و علاقه‌مندی مردم این خطه را در خصوص سرمایه‌گذاری به‌منظور گسترش چتر نشریات هویدا می‌سازد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳۰۱). وجود منورالفکرهای پویا و قلم بدست که نفوذ آنان بر روند تغییر و تعقیب حوادث و وقایع هم عصرشان غیر قابل کتمان است بر تکوین این موافقت نامه با مشارکت طرفین در خصوص کلیه فعالیت‌های جریده «حبل‌المتین» در اصفهان و کلکته مسجل و محقق شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۹۸). این رخداد سهم بسزایی در تمکین مطبوعات ایران و بالاخص اصفهان از

^۱ - هومی جهانگیربابا، اردشیر و پیروچشا گودرج، فردنجی مرزبان (بنیانگذار نخستین روزنامه هند)، دارابی و جهانگیر و جمشیدی نوشروانجی‌تاتا، فریدون مرزبان (ناشر اولین روزنامه محلی هند)، اردشیر ایرانی (فیلمساز)، بهرام بوسیوی (روزنامه‌نگار)، دراردشیر کوسجی (روزنامه‌نگار)، درفرخ دهندی (روزنامه‌نگار)، فیردوس کنگا (روزنامه‌نگار)، درشاپور خرگت (روزنامه‌نگار)، مدیر اکونومیست)، بهرمجی ملیری (روزنامه‌نگار)، میستری رهینتن (روزنامه‌نگار)، پیسی سیدهو (روزنامه‌نگار)، شپورجی سربجی کیخسرو (روزنامه‌نگار)، سونی ترپرولا (روزنامه‌نگار)، درمینو مثنای (روزنامه‌نگار و عضو مجلس مؤسسان)، فرز گاندی (روزنامه‌نگار)، مهتافیروز شاه (روزنامه‌نگار)، سهراب بلسارا (روزنامه‌نگار) و ...

شیوه تهیه، تنظیم، تدوین، چاپ و انتشار روزنامه «حبل‌المتین» به دلیل تعلق خاطر شایگان گروه‌های مرجع، همچون علما، مشروطه خواهان و روشنفکران ایرانی ایفا نمود (آبادانی، ۱۳۴۸: ۲۷). شیوه مدیریت رسانه ای و فرم محتوایی و ظاهری «حبل‌المتین» در میان مطبوعات فارسی از مرجعیت جامعی برخوردار بود و روزنامه‌نگاران تحول‌خواه و جوان همچون سپنتا، با بهره‌گیری از تعاملات بسیط با هم‌قطاران خود در هندوستان بمنظور جذب مخاطبان حداکثری، از اسلوب مضمونی و ظاهری جراید فارسی آن دیار معیار آفرینی نموده و اقدام به تهیه، تدوین، چاپ و انتشار جراید می‌کردند (مکی، ۱۳۶۳: ۲۱۴).

استفاده معنادار سپنتا و نخبگان رسانه‌ای هم عصرش از کاربست اشعار فکاهی و نقادانه؛ چیدمان مطالب، بهره‌مندی از صور و شمایل مطابق با مضامین فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همچون روزنامه‌نگار هندی و اروپایی، رونقی شایانی به بازار مطبوعات فارسی بخشید (محیط‌طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۸). تا بدانجا که «حاجی زین‌العابدین تقی‌اف»، از متمکنین باکو، پول فراوانی برای مسئولان روزنامه «حبل‌المتین» می‌فرستاد تا این جریده به دلیل مقبولیت عمومی و محبوبیت همگانی میان علما، مشروطه‌خواهان و منورالفکرهای نجف، اصفهان و تهران و... منتشر و توزیع گردد (زاهد، ۱۳۹۰: ۱۰۱)، «حبل‌المتین»، در زمان مشروطیت گاه‌ها افزون بر ۳۵ هزار نسخه در ایران توزیع می‌شد که بالغ بر ۵ هزار نسخه آن به‌صورت رایگان مابین علما و نخبگان پخش می‌گردید (زاهد، ۱۳۹۰: ۱۰۲). گرایش به سبک انتقادی در نشریه «صوراسرافیل» از لحن سرمقاله‌های تند و انتقادی «حبل‌المتین» نشأت می‌گرفت حتی تا دهه‌های بعد جراید فارسی ایران از خط نستعلیق، سرلوحه‌ها، صفحه آرایی‌ها، چینش ستون‌ها، تقسیم‌بندی مطالب، سبک نوشتار، ابعاد ظاهری و... تا حد زیادی از اسلوب روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان تبعیت می‌کردند (مرادف: ۱۳۹۸: ۲۷۹).

در این پژوهش ضمن بررسی اسنادی آثار ادبی، هنری «عبدالحسین سپنتا» در دو پهنه هندوستان و ایران و تحقیق و تتبع در خاطرات و سخنان برجای مانده از وی و نزدیکانش به کنکاش در آثار رسانه‌ای و تحریر زندگینامه‌اش می‌پردازیم. سپنتا، از پیشگامان الهام‌بخش در حوزه ادب، هنر و سینما است، لیکن باتوجه به مذاقه صورت گرفته این تیم پژوهشی، آثار ممتاز و شاخص وی در زمینه روزنامه‌نگاری، ترجمه و تألیف در سایه آثار سینمایی و نمایشی او قرار گرفته است. او سبک‌های عرفی جراید فارسی شبه‌قاره هند را درک و به مدد آموزه‌هایش به‌نحوی متعالی در افکار عمومی جامعه مشتاق آگاهی متجلی ساخت. سپنتا، با خلق آثار رسانه‌ای نفیس، نظیر روزنامه، فیلم، تصنیف، ترجمه و...، تعامل میان منورالفکرهای فارسی زبان هندی و نخبگان ایرانی را غنا بخشید و در زمره ادیبانی قرار گرفت که در هم‌گرایی و انسجام بخشی میان نسل‌های قبل و بعد از خود به تاسی از شیوه‌های بدیل، خلاقانه و آوانگارد که از ذائقه هنری و تبحر ژورنالیستیک بهره می‌گرفت به چهره‌ای ماندگار بر تارک رسانه‌های فارسی قرار گرفت.

زندگینامه عبدالحسین سپنتا:

عبدالحسین در شب دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۲۸۶ شمسی و در خیابان واگونخانه (اکباتان) تهران متولد شد. پدرش غلامرضا، فرزند ابوطالب ملقب به «شیروانی» بود که به‌دلیل اقامت طولانی در رشت به «رشتی» شهرت داشت. غلامرضا از ملتزمان مظفرالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ق) بود و چون مسلط به زبان انگلیسی بود بعنوان مترجم دکتر «اداکاک»، پزشک مخصوص دربار در سفرهای مظفرالدین شاه به اروپا، همراه با میرزاابراهیم عکاس‌باشی، حضور داشت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در تهران فوت کرد (صدرهاشمی، ۱۳۵۱: ۳۰۰). مادر عبدالحسین، «شوکت شیرازی» زنی فاضله و از نوباوگان امام جمعه وقت شیراز بود که سرپرستی سپنتا را پس از فوت پدرش همراه با برادرش (میرزا محمدحسین شیرازی) برعهده گرفت. این بانوی اندیشمند، در تعلیم و تربیت فرزندش سعی وافی و جهد کافی محقق ساخت و پیوسته او را به تحصیل علم و معرفت، تشویق و ترغیب می‌نمود (امید، ۱۳۶۳: ۱۱).



این بانوی متفکر در سال ۱۳۲۸ شمسی چشم از جهان فرو بسته و در آرامگاه خانوادگی سپنتا در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد (مجله ارمغان، ۱۳۲۸: ۹۸). عبدالحسین، تحصیلات خود را به ترتیب در مدارس سن لوئی، زرتشتیان جمشیدجم تهران طی و سپس در کالج آمریکایی تهران ادامه و در نهایت از استوارت مموریال کالج در جلفای اصفهان فارغ التحصیل شد. عبدالحسین، در زمان فارغ التحصیلی به زبان‌های انگلیسی، اوستایی و همچنین حرفه روزنامه‌نگاری و موسیقی تسلط داشت (مه‌دوی، ۱۳۳۴: ۸۷). آبادانی^۲ از نزدیکان و مصاحبین وی، نقل می‌نماید: «مدرسه زرتشتیان سپنتا، را به تاریخ، هنر و ادبیات و تمدن ایران قدیم علاقه‌مند ساخت و این علاقه وافر و انگیزه عدیده، او را به مطالعه و ترجمه آثار فلسفی، اجتماعی، فرهنگ و باستانی ایران تحریص و تحریک کرد. در همان دوران تحصیل در مدرسه زرتشتیان قریحه نویسندگی سرشار عبدالحسین مبرز گردید و در همان ایام مقارن با ۱۶ سالگی ضمن نوشتن در روزنامه مدرسه، در جریده «فروهر»^۳ نیز بکار روزنامه‌نگاری پرداخت (آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۰). وی، در تحریریه این روزنامه با نحوه چیدمان و مدیریت مطالب، سبک‌ها و شیوه‌های خبری از طریق دوستان روزنامه‌نگاران «خدارحم آبادیان» که در هندوستان قلم فرسایی می‌کردند، آشنا شد و این مراودات و تعاملات در ترقی او در دنیای رسانه بسیار نافع بود.

عبدالحسین، همواره پیشرفت‌های فرهنگی، ادبی، هنری و معرفتی خود را بعد از اهتمام مادر و معاضدت دایی مرهون «اردشیرجی ایدلجی» و «میرزا علی‌رضا خان علی‌آبادی» برمی‌شمرد و همواره از آنها به نیکی یاد می‌کرد. عبدالحسین، در صفحه ۲۴ مقدمه دیوان اشعارش، می‌گوید: «اردشیرجی»، مرا به تحصیل ادب، هنر و علوم ایران باستان ترغیب نمود و هم او بود که مرا باخالق روزنامه قرن بیستم «میرزاده عشقی» که با وی مراوده و دوستی داشت، آشنا ساخت و عشقی، روح شیدا و قریحه مشتاق مرا به سمت نویسندگی، سرایش شعر، تامل، تفکر در آیین‌های باستانی ایران ترغیب و تشویق نمود (آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۲).

به اصرار مقاله‌ای در خصوص شرایط ناکارآمد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه آن زمان ایران در روزنامه «فروهر»، منتشر کردم که با استقبال گسترده مخاطبان روبرو شد و چندین چاپ مجدد به همراه آورد، ولیکن ددرسه‌های جدیی نیز برای من و «خدارحم آبادیان» به دنبال آورد که در نهایت به تعطیلی جریده «فروهر» انجامید (سپنتا، ۱۳۱۵: ۲۳). عبدالحسین، که در مدرسه زرتشتیان به هنر نمایش و تئاتر علاقه‌مند گردید از همانجا به صورت حرفه‌ای پا به این عرصه نهاد و چون توانمندی‌های خود را به منصفه بروز رسانید، در مجامع فرهنگی و هنری ایران خوش درخشید و مربی تئاتر مدرسه شد. همزمان با این فعالیت‌ها بود که ایران‌شناسان برجسته «دینشاه ایرانی»^۴ از پاریس هندوستان، در سفرش به تهران با عبدالحسین آشنا شد و چون پی به علاقه زیاد و انگیزه وافر سپنتا، در خصوص مضامین فرهنگ و ادب باستان ایران برد، وی را به منظور کسب معرفت و تحقیق در مراکز آکادمیک به هندوستان ترغیب و دعوت کرد.

عبدالحسین، در زمان طرح اعطای سبج ملی به توصیه دوستانش نام خانوادگی خود را از «شیرازی» به «سپنتا»^۵ تغییر داد و همزمان با اشتغال به ترجمه و مطالعه تاریخ و ادبیات ایران باستان به آموختن حرفه‌ای زبان و ادبیات فارسی باستان نزد استاد «پورداد» پرداخت.

^۱ - دبیرستان ادب

^۲ - فرهاد آبادانی (۱۳۲۹-۱۳۵۹)؛ زبان شناس، مصحح و پژوهشگر ایرانی است. او رشته‌های باستانشناسی و زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران و دکترای خود را از دانشگاه بمبئی در رشته زبان‌های پیش از اسلام اخذ کرد. آبادانی دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان بود و تا پایان عمر سپنتا، در حلقه مصاحبان و نزدیکان وی قرار داشت.

^۳ - نخستین روزنامه فارسی زرتشتیان در تهران به سرپرستی «خدارحم آبادیان»

^۴ - «سلیسیستر» (۱۲۶۰-۱۳۱۷)، مترجم، ادیب و نویسنده هندی است. وی از پیشوایان مشهور زرتشتیان هندوستان است. دینشاه، در سال ۱۳۱۱ به‌همراه تاگور از ایران دیدار نمودند. از جمله آثار ادبی او می‌توان به ترجمه انگلیسی دیوان حافظ و تذکره انگلیسی شعرای معاصر ایران همراه با منتخب اشعارشان اشاره کرد.

^۵ - در زبان پهلوی بمعنای «نور پاک و مقدس» است.

وی، پس از فوت دائی‌اش با تمام سختی‌های که از جانب روزگار و اجتماع برایش فراهم آمده بود، هیچگاه از کار و مطالعه و تحقیق در تاریخ و علوم و فرهنگ و ادبیات ایران زمین باز نایستاد و در شهریور ۱۳۰۷ شمسی مقارن ۲۰ سالگی، به پیشنهاد دوستان و آشنایان به منظور پیگیری امور شغلی و علمی به بمبئی نزد «دینشاه ایرانی» عزم سفر نمود (امید، ۱۳۶۳: ۱۱).

سپنتا، با سری پر شور از راه بوشهر به هندوستان رفت و پس از ۲ ماه به شهر زیبا و بزرگ بمبئی رسید و نزد «دینشاه» سکونت گزید و از مصاحبت وی، بهره‌مند گردید. عبدالحسین، در بمبئی با بهره‌مندی از تجارب و ظرفیت‌های جاری دوستان روزنامه‌نگار هندیش، بر تجربیات خود می‌افزود و هم‌زمان به تحصیل، تحقیق و تتبع در ساحت فرهنگ، هنر، تاریخ و ترجمه انگلیسی متون مبادرت می‌کرد و با پیگیری مجدانه در حرفه روزنامه‌نگاری، مطالب و نوشته‌های «دینشاه» را به منظور بهره‌مندی بیشتر فارسی‌زبانان، به فارسی سلیس ترجمه و در جراید هند و ایران منتشر می‌کرد (مه‌دوی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). دینشاه، در پیشگفتار کتاب «اخلاق ایران باستان» ضمن قدردانی از اهتمام «سپنتا» در همکاری با وی می‌نویسد: در اینجا لازم می‌دانم از آقای سپنتا، که گفته‌های مرا به زبان پارسی به رشته تحریر در می‌آورند، تقدیر و تشکر کنم، زیرا متأسفانه در دارالفنون هندوستان فقط ادبیات قدیم فارسی تدریس و تحصیل می‌شود و اغلب متفکرین و ادیبان فارسی‌دان هندی در این زمان از طرز نگارش فارسی روان کنونی کم‌بهره هستند» (آبادانی، ۱۳۴۸: ۸). همکاری سپنتا و دینشاه، تا پایان عمر دینشاه، ادامه یافت و ثمره این همراهی و همکاری ترجمه متون دینشاه به فارسی بود که در چاپخانه هور بمبئی به مالکیت «رشید شهردان» چاپ و منتشر می‌شد. سپنتا، از فوت نابهنگام «دینشاه ایرانی» بسیار مغموم گشت و در رثاء دوستش، قصیده‌ای بلند تحت عنوان «در مرگ دوست» اسرود که تحسین ادیبان هند را برانگیخت.

عبدالحسین، در یکی از مراجعاتش به اصفهان به توصیه خانواده و نزدیکانش در سال ۱۳۱۰ شمسی با دختری اهل فضل و تحصیلکرده از خانواده‌ای اصیل و متمکن اصفهانی بنام «گوهرتاج» پیوند زناشویی بست که تا پایان عمر به این عقد وفادار ماند. حاصل این وصلت، سه پسر به نام‌های ساسان، بهمن و کاوه می‌باشد.

(آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۵). عبدالحسین سپنتا، سرانجام در سحرگاه ۸ فروردین ۱۳۴۸ شمسی به دلیل سکت در اصفهان در سن ۶۲ سالگی دارفانی را وداع گفت و پیکر بی‌جانش با بدرقه خیل عظیم علاقه‌مندان هنر و فرهنگ در آرامستان تخت فولاد اصفهان (لسان الارض) جنب تکیه بابارکن‌الدین آرام گرفت (هادوی، ۱۳۸۱: ۲۶۷).

آثار مکتوب عبدالحسین سپنتا:

چندماهی بیشتر از اقامت سپنتا، در هند نمی‌گذشت که با توجه به اخبار اسفناک شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران در صدد انتشار روزنامه‌ای راهگشا همچون «حبل‌المتین» برآمد تا بتواند وقایع و اخبار ایران را به سمع و نظر مشتاقان فارسی‌زبان در شبه‌قاره برساند. از اینرو با حمایت دوستانش جریده «دورنمای ایران» را به صورت هفتگی با رویکرد سیاسی، اجتماعی و ادبی، وارد مارکت روزنامه‌های هند و ایران کرد. جریده‌ای پیشرو و تأثیر پذیرفته از سبک چینش محتوایی جراید سلف فارسی‌زبان هندوستان، روزنامه‌ای در ۴ صفحه با ابعاد متوسط در آذرماه ۱۳۰۷ در شهر بمبئی هند به زبان سلیس فارسی روانه بازار گردید. «دورنمای ایران» متأثر از دغدغه‌های نسل جوان ابتدای قرن چهاردهم شمسی با نگاهی انتقادی و تعقیب‌گرا در عصر طلایی مطبوعات ایران از دیار هندوستان بود.

۱- این سروده در ابتدای کتاب یادنامه دینشاه (۱۹۴۳) ایرانی چاپ «هور بمبئی» منتشر شده.

سپنتا، «دور نمای ایران» را با حمایت «رشید شهردان» صاحب چاپخانه هور واقع در گوالیا تانک بمبئی منتشر کرد، رفاقتی که تا پایان حیات سپنتا، استوار ماند. این جریده به واسطه انتشار مقالات تندوآتشین تا پانزده شماره بیشتر دوام نیاورد و سپنتا در ادامه به انتشار روزنامه دیگری به نام «جنگل» با چاپ سنگی با رویکرد سیاسی، انتقادی نمود. پس از انتشار چند شماره از «جنگل» بازم بدلیل انتشار مقاله‌ای شدیدالحن و آتشین به طرفداری از دولت مرکزی ایران در مقابل سیاست‌های بریتانیا در خصوص بحرین، این جریده مورد غضب ذی نفوذان محلی قرار گرفت و توقیف شد، اما عبدالحسین جوان، از پا نشست و ضمن انتشار جریده «پیام راستی»، مرقوماتش را با اسم مستعار در نشریه *Iran League Quarterly* هندوستان نیز چاپ می‌نمود (مجله ارمغان، ۱۳۵۰: ۹۹).



سپنتا در دوره‌های حضورش در اصفهان، ضمن نوشتن مطالب مختلف، مقالاتش را در جراید و روزنامه‌های پایتخت و اصفهان چاپ می‌کرد و در سال ۱۳۲۲ شمسی به انتشار هفته‌نامه «سپنتا» در اصفهان مبادرت کرد که بالغ بر ۱۰ سال به صورت بی‌وقفه و مستمر منتشر و در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت. این جریده که از پختگی خاصی برخوردار بود، مهمترین و ارزشمندترین اثر مطبوعاتی سپنتا در ایران محسوب می‌شود که به صورت هفتگی، در ۴ صفحه متوسط انتشار می‌یافت و به اقصی نقاط واصل می‌گردید. این اثر عموماً جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و انتقادی داشت، ولیکن از محتواهای علمی، تحقیقاتی و تاریخی، اخبار داخلی و خارجی، حوادث، ترجمه دستاوردهای سیاحان خارجی با محوریت فرهنگ، جغرافیا، آداب و رسوم ایران و ایرانیان، مضامین نشریات دیگر ملل نیز منتعم بود. این نشریه تا سال ۱۳۳۲ شمسی به شکل مستمر انتشار یافت و عبدالحسین، شخصاً تمام مطالب آنرا از نثر، نظم، کاریکاتور، خبر، نقد و طنز را، خود تهیه و تدوین می‌نمود (یعمایی، شماره ۲: ۱۱۰). هفته‌نامه «سپنتا»، از قلم فصیح، شیوا، حکیمانه و ادیبانه سپنتا بهره می‌گرفت که در تعالی و کمال جراید فارسی ایران و هندوستان نقشی پیش‌گامانه و مهتدی داشت (روزنامه مکرم، ۱۳۴۸: شماره ۵۵۹). سپنتا، مجموعه مقالات خود را در مطبوعات مختلف دیگر مانند: «معارف اسلامی»، «وحید»، «یعما»، «فرهنگ استان دهم»، «ارمغان»، «مجاهد»، «خبرهای روز»، «اصفهان» و «راه نجات» منتشر می‌کرد (صدرهاشمی، ۱۳۵۱: ۳۰۰). این آثار عموماً در حوزه‌های: مباحثات انتقادی، آثار ادبی و هنری، چهره‌های ماندگار، معرفی صناعات و هنرمندان و هنروران گمنام، معرفی معماری سنتی ایران، مکان‌ها و زیستگاه‌ها، میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، اشیاء باستانی و... تحریر و منتشر شده‌اند. نگاه موشکافانه و داهیبانه سپنتا، نمایانگر روح بلند و شیفته او به فرهنگ و تمدن ایران زمین است. سلسله مقالات شناخت جریان‌های بزرگ فکری و اجتماعی و اثر آن بر حوزه شعر و ادب فارسی؛ نفوذ تمدن ایران در میان دیگر ملل؛ تتبع در روابط ایران و هند؛ آشنایی با هنر کاشیکاری از گذشته تا حال؛ مینیاتور ایرانی؛ معماری اسلامی در شبه‌قاره هند؛ آثار و تمدن ایران در خرابه‌های تاکسیلای؛ و... شمه‌ای از پهنه بسیط فعالیت سرآمد سپنتا، در میان هم‌قطارانش است.

یکی از اتفاقات مهم زندگی سپنتا، آشنایی او با اندیشمند شهیر «بهرام‌گور طهمورث»^۱ و «مهربانو» همسرش به‌واسطه «دینشاه ایرانی» است که نگرش وی را در زمینه پژوهش در تاریخ، هنر و فرهنگ پارسی دگرگون ساخت. سپنتا، در سال ۱۳۰۸ شمسی به اتفاق پروفیسور بهرام و همسر وی به‌عنوان مشاور و مترجم به کشور عراق (بابل و بغداد) سفر کرد و ضمن همکاری میدانی با آن هیئت، اقدام به تدوین کتاب «اشک سپنتا» و سرودن تصنیفی عبرت‌انگیز بنام «مهتاب مدائن» نمود. سپنتا، در خصوص نحو سرودن این شعر می‌نویسد: «خزان سال ۱۳۰۸ شمسی یک شب مهتاب از گردش و مطالعه در خرابه‌های بابل عراق با پروفیسور گور در تیسفون و در کنار طاق کسرا، محو تماشای آن بنای عظیم بودیم و من بر تپه خاکی نرمی که در مجاورت آن سازه عظیم و متروکه بود، لمیده بودم که قطار شتری از مسیر جلوی سرا در حال گذار به سمت بیابان تاریک و خاموش بود، بی‌اراده تاریخ پرفراز و نشیب ایران در جلوی چشمانم به‌تصویر درآمد و اشک در چشمانم حلقه زد و شروع به سرایش آن اشعار نمودم» (سپنتا، ۱۳۱۵: ۳۲).

عبدالحسین، از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۵ هندوستان را به‌منظور دیدار خانواده و تحقیق به مقصد ایران ترک و در اصفهان سکونت یافت. به گفته او، این دوران از دوره‌های طلایی و پرثمر زندگی اوست (پروین، ۱۳۷۷: ۱۴۵). او در این دوره ضمن چاپ جریده «سپنتا»، کتب و آثاری را که با خود از شبه‌قاره آورده بود همچون آثاری از «دینشاه ایرانی»، شامل: اخلاق ایران باستان؛ پرتویی از فلسفه ایران باستان؛ پیک مزدیستان؛ نوآموز مزدیسنا... به زبان فارسی ترجمه و منتشر کرد. همچنین به تنظیم و ترجمه فارسی کتاب وزین «ایران و اهمیت آن در ترقی و تمدن بشری» نوشته «پشوتن پ بسارا»^۲ پرداخت که این اتفاق تأثیر بسزایی در دوران شکوفایی زبان فارسی در میان نخبگان شبه‌قاره و علاقه‌مندان به جنبش استقلال طلبی هندوستان از استعمار انگلیس ایفا نمود. بسارا، و ناشر این اثر در مقدمه آن از سپنتا، بدلیل اهتمام مجدانه‌اش و طبع بلندنظرانه وی در خصوص تدوین و ترجمه فصیح و بلیغ آن قدردانی شایگانی نموده‌اند. نسخه انگلیسی این کتاب پس از استقلال هندوستان از استعمار انگلیس به‌صورت سلسله مقالاتی در مجله *iran league quarterly mumbai* چاپ و منتشر شد.

گوهرتاج سپنتا، در بیان خاطرات همسرش، متذکر می‌شود: «عارف قزوینی» در پایان عمر به اصرار سپنتا، اشعار جدیدش را تنظیم و نزد وی می‌فرستد و عبدالحسین، این ابیات را به زبان انگلیسی با مقدمه خود و دینشاه در سال ۱۳۱۴ شمسی، دو سال پس از مرگ عارف ترجمه و منتشر می‌نماید. همچنین یکی از هم‌نشینان صمیمی و مشوق عبدالحسین، در هندوستان دکتر «رابیندرانات تاگور»^۳ شاعر و فیلسوف شهیر هندی است که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ شمسی در سفری به ایران به‌همراه دینشاه و ابراهیم پورداوود با دوست قدیمش عبدالحسین، دیدار و در خصوص شیوه‌های ترجمه آثار ادبی هند و ایران باستان مباحثات مستمری و دامنه‌داری بانجام می‌رسانند. سپنتا، ضمن پژوهش‌های مختلف و دنبال نمودن حرفه روزنامه‌نگاری اقدام به تألیف، ترجمه و نشر آثار ارزنده دیگری همچون:

تألیف و انتشار کتب «پیام راستی»، «اشک سپنتا»، «تاریخچه وقف و اوقاف اصفهان»، «دیوان اشعار سپنتا»^۴ «انارگلی»، «مار»، «حافظ چه می‌گوید؟»، «آنچه که دنیا مرهون تمدن ایران است».

ترجمه کتب «زرتشت که بود و چه کرد؟» تألیف رابیندرانات تاگور، «یادداشت‌های آبراهام گاتوگی گوس».

^۱ - آنکلساریا (Bahramgor Tehmuras Anklesaria) (۱۸۷۷-۱۹۴۱) ایران‌شناس مشهور هندی و متخصص زبان و ادبیات ایران باستان و پهلوی، وی پسر طهمورث دینشاه بود. بهرام، اوستا را نزد پدر آموخت و از استادان بزرگ پهلوی‌دان گردید. او بر زبان هندی، فارسی و انگلیسی کاملاً مسلط بود. وی در سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۴ شمسی به ایران آمده و در مراسم افتتاح دانشگاه تهران و جشن هزاره فردوسی شرکت داشته است.

^۲ - محقق، اندیشمند، پژوهشگر و وکیل سرشناس هندی که از پارسیان بود. تألیفات فراوانی در زمینه مردم‌شناسی و ایران‌شناسی بانجام رسانده است.

^۳ - تاگور (۱۸۶۱ - ۱۹۴۱) شاعر، نمایشنامه‌نویس، فیلسوف، موسیقیدان، نقاش اهل بنگال هند و مسلط به زبان فارسی بود. تاگور به ایران علاقه‌ای وافر داشت. وی، نخستین آسیایی برنده جایزه نوبل است. پدرش دبندرانات (مهاریشی)، شیفته غزل‌های حافظ و حافظ آنها بود. تاگور ملقب به Gurdev بمعنای پیشوا است، وی از مدافعان سرسخت جنبش استقلال هندوستان بود. سرودهای ملی هند و بنگلادش از تصانیف او است.

^۴ - در اشعارش به «سپنتا» تخلص می‌نمود، در سرودن اوزان مختلف مسلط بود، مضامین و مفاهیم نو و بدیع را در اشعارش به شیوه‌ای خلاقانه شکوفا می‌ساخت.

گردآوری و تدوین «منتخبات اشعار دهقان سامانی»، «منتخبات اشعار عبدالوهاب گلشن ایرانپور»، «مجموعه اشعار ملی عارف قزوینی»، «اشعار داراب افسر بختیاری» و ... اقدام نمود که در زمره مراجع متقن علمی و تحقیقاتی محسوب می‌شود. سپنتا، همچنین در سرودن شعر، تصنیف و ساختن موسیقی تبحر خاص داشت و در طنز و فکاهه و بداهه‌گویی شهره بود. او در اصفهان حلقه‌ای از دوستان از جمله: ملک‌الشعرا بهار، عبدالحسین برازنده، جلال‌الدین تاج اصفهانی، عارف قزوینی، ابوالحسن صبا و ... تشکیل داده بود (مجله ارمغان، ۱۳۵۰: ۹۹)، همچنین با میرزاده عشقی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، صادق رضازاده شفق، علی اصغر حکمت و ... سابقه رفاقت و مراوده داشت (آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۵). وی در کنار سایر فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای، حضوری فعال در انجمن‌های ادبی از جمله «انجمن ادبی کمال» داشت و باعث رونق این انجمن گردید تا بدانجا که ادیبان و متفکران نامدار ایرانی و هندی از اقصا نقاط در آن شرکت می‌جستند (اوحدی، ۱۳۵۰: ۱۷۴)

آثار بصری عبدالحسین سپنتا:

مطالعه و مشاهده مراسم سنتی اقوام در شبه‌قاره و گستردگی تئاترهای محلی، سینماتوگراف و ... انگیزه سپنتا را در خصوص استفاده از شیوه‌های ارتباطات نوین بصری برانگیخت و زمینه ورودش را به حرفه نمایش و سینمای هند و جهان، مهیا ساخت. صنعت سینما، عبدالحسین را که از کودکی مشتاق بازیگری و هنرهای نمایشی بود تشویق و تحریک کرد تا به عرصه رسانه‌های تصویری نیز قدم بگذارد.

سپنتا، در کنار تألیف، ترجمه، تحقیق و مطبوعات، وارد دنیای سینما شد و این اتفاق بیش از هر موضوع دیگری او را به شهرت جهانی رهنمون گردید. سپنتا، در آثار سینمایی، همچون آثار مکتوبش سعی وافر در تجلی فرهنگ و ادب زادگاهش داشت و توانست مضامین زیبایی خلق نماید. وی، در فروردین سال ۱۳۱۲ شمسی با بهره‌گیری از المان‌های بصری اقدام به ساخت نخستین فیلم سینمایی سیاه سفید با ناطق فارسی بنام «دختر لر» با همکاری «بهادرادرادشیر ایرانی»، در استودیو امپریال فیلم در بمبئی کرد، این اثر فاخر و کم‌نظیر پس از ۱۹ ماه کار شبانه‌روزی و بی وقفه، در ابتدای آذرماه سال ۱۳۱۳ شمسی تدوین و بر روی پرده سینماهای ایران اکران شد (برقی، ۱۳۵۰: ۱۷۲). محتوای فیلم در حقیقت مبین شرایط اوضاع نابسامان ایران و زورگویی حاکمان محلی و یاغیان و دزدان بود، درماندگی سلسله قاجار، ابتر ماندن اهداف بنیادین مشروطه، بروز اتفاقات تلخ، ظهور آنارشیست‌های منطقه‌ای، ظلم مستبدان محلی، قحطی، وقوع جنگ‌های جهانی و ... همه هوشمندانه در فحوای این اثر هویدا بود (امید، ۱۳۶۳: ۱۹). از این فیلم، استقبال بینظیر و شایگانی صورت گرفت و مدت مدیدی بر روی پرده‌ها بود. در ادامه وقتی متولیان فرهنگ از جمله وزارت معارف کثرت جامعه مخاطب فیلم‌های ناطق فارسی را مشاهده کردند، پیشنهاد ساختن دومین اثر سینمایی ناطق را بنام «فردوسی» توسط «علی‌اصغر حکمت» به سپنتا دادند.

این پیشنهاد، سپنتا را به سمت ساختن آثار فاخر دیگری رهنمون گردید و در ادامه فیلم فردوسی در مهرماه سال ۱۳۱۲ شمسی به مناسبت هزارمین سالروز ولادت وی، همزمان با مراسم افتتاحیه ساختمان آرامگاهش در طوس اکران گردید و

۱ - داراب افسر بختیاری (۱۲۷۹-۱۳۲۰)، اشعار فارسی او با گویش بختیاری بسیار معروف است. سروده «رستاخیز مسجد سلیمان» نمونه احساسات ملی و افکار وطن‌پرستانه وی می‌باشد. ملک‌الشعرا بهار از او فردوسی زبان بختیاری نام می‌برد.



تشویق اهالی ادب، هنر و فرهنگ را برانگیخت، تا بدان حد که «محمدعلی فروغی» آثار مطبوعاتی و سینمایی وی را در محافل ادبی و هنری می‌ستوده و سپنتا را مصباح فرهنگ می‌نامید. سومین اثر به یادماندنی سپنتا، «شیرین و فرهاد» است که در سال ۱۳۱۴ شمسی پس از تدوین، با عنوان «خسرو و شیرین» به نمایش درآمد. فیلم چهارم سپنتا، «چشم‌های سیاه» به داستان نادرشاه و نحوه محاصره لاهور به دست وی و سپاهیان‌ش می‌پردازد. این فیلم در خرداد ۱۳۱۵ شمسی در ایران و هندوستان بر روی پرده رفت و تشویق اهالی فن را برانگیخت. پنجمین فیلم سپنتا برگرفته از ادبیات کهن و فاخر ایران منظومه «لیلی و مجنون» بود که استقبال بینندگان و منتقدان همراه بود و سینمای فارسی را وارد عرصه جدیدی نمود. نقش اول مرد تمام این آثار توسط خود سپنتا ایفای نقش می‌شد و قسمت عمده اشعار نیز از سروده‌های او بود. این آثار با محوریت سپنتا و مشارکت استودیوهای امپریال فیلم (بمبئی)، کریشنافیلم (بمبئی) و کمپانی ایست ایندیا (کلکته) ساخته و اکران می‌شده‌اند.

دیگر آثار شاخص عبدالحسین سپنتا:

مباشرت سپنتا در طراحی تمبر یادبود «هزارمین سال تولد ابن‌سینا» در سال ۱۳۲۶ شمسی از جمله خدمات ارزنده وی به ساحت اندیشه، فرهنگ و ادب ایران می‌باشد. تهیه، تنظیم و نظارت بر کنسرت‌های «کائوس جی‌هال» در بمبئی از دیگر آثار این روزنامه‌نگار و هنرمند شهیر ایرانی است. تلاش مستمر سپنتا، در خصوص برگزاری نشست هفتگی «دورنمای ایران» به منظور آگاهی بخشی به نخبگان و متفکران از دیگر اقدامات قابل تحسین او می‌باشد که علی‌رغم وجود مسائل مادی بر استمرار آن تأکید می‌کرد. سپنتا، در طول عمر خود از هیچ خدمتی نسبت به هموطنانش، فارسی‌زبانان و بشریت فروگذار نکرد. او همواره در همه مجامع و محافل همسرش را تکریم و او را حامی خود برمی‌شمرد و بر زمینه‌سازی کمال و تعالی جایگاه شخصیتی، علمی و معرفتی نسوان، در همه عرصه‌ها پافشاری می‌کرد. سپنتا، علاقه وافر به مباحث دیرینه‌شناسی، باستان‌شناسی و مطالعه تاریخ و تمدن ایران و هند داشت و مباحث مردم‌شناختی و مطالعات فرهنگی را بنیاد ارتباطات بین‌الملل تعریف می‌کرد. وی، در محل سکونتش در اصفهان اقدام به برپایی کتابخانه و موزه‌ای شخصی و شاخص کرد که دقت نظر در گردآوری عناصر و چیدمان آثار، بصیرت هنری و ذوق فرهنگی گردآورنده را متجلی می‌کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - ذکاءالملک، در مجامع فرهنگی و ادبی، جسارت، تعهد، اندیشه، هنر و قلم سپنتا را می‌ستود و بداهه گویی و بدیهه نویسی همراه با طبع فکاهی و رویکرد نقادانه وی را خصیصه شاخص وی برمی‌شمرد.

نتیجه‌گیری

عبدالحسین سپنتا شخصیتی ممتاز، فاضل با دغدغه‌های ملی است که علاوه بر پیشه پژوهش و تحقیق، در ساحت ادب، فرهنگ و هنر منشاء خیر فراوان بوده است. دوران زیست این دوستدار وطن دورانی پرتلاطم در تاریخ ایران بوده و طبع پویا و ذهن حساس این نخبه فرهنگی به مدد حضور دوستان و نزدیکان دلسوز توانسته است از وی روزنامه‌نگاری چیره‌دست، بازیگری بداهه‌گو، مترجمی مبرز، نویسنده‌ای توانمند، ادیبی فاضل تربیت نماید. سپنتا نمادی از پویایی جوان ایرانی در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم شمسی است که علی‌رغم محروم بودن از نعمت پدر ولیکن به حمایت قاطع مادر و دایی خود و دوستان دلسوز توانسته است نردبان ترقی و پیشرفت را در غایت کمال به ساحت ادب، هنر و فرهنگ بپیماید و برگ زرینی در دفتر چهره‌های ماندگار ایران زمین به خود و فعالیت‌های حرفه‌ایش اختصاص دهد. سپنتا، از پیشگامان الهام‌بخش در حوزه ادب، هنر دوران پسامشروطیت است وی از شارح سینمای ناطق فارسی است، لیکن به دلایل مختلف از جمله ضعف آرشیوی، گپ‌های بین‌نسلی، نگاه‌های سطحی، ضعف مطالعات بین رشته‌ای آکادمیک و ... آثار ممتاز و شاخص این ادیب در زمینه روزنامه‌نگاری، مدیریت مطبوعات، ترجمه و تألیف، نظم و نثر در سایه آثار سینمایی و نمایشی فاخر او در غفلت نخبگانی و ستایش همگانی قرار گرفته است. او سبک‌های عرفی و بدیل جراید فارسی در ایران و هندوستان را به هوشندی درک نموده و به مدد آموزه‌های نکته‌سنجانه‌اش، به‌نحوی متعالی نزد افکار عمومی در میان جامعه مشتاق آگاهی فارسی زبان بالاخص ادیبان هندوستان و ایران مشعشع و متجلی ساخته‌است. سپنتا، دروازه ارتباطی پاریسیان، مرکز ثقل تعامل اندیشه‌ای و فرهنگی مجامع منورالفکرهای فارسی زبان هند و ایران و مصباح شناخت ادبیات اوستایی و زبان‌شناسی پهلوی در قرن چهاردهم شمسی است. او در نوع خود توانست در جنس و چیدمان محتوا، قالب‌ها، مضامین و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نگاری فارسی در میان مخاطبان ایرانی و هندی و حتی تاجیکستانی و افغانی تعامل و تعادل سازنده همراه با وقار ادبی و رسانه‌ای را جاری و اعمال نماید.

امید است این پژوهش توانسته باشد، بستری مستعد و مستوی برای پوییش و پژوهش‌های آتی دیگر علاقه‌مند محترم در ساحت بسیط جراید و مطبوعات مکتوب فارسی در ایران و دیگر ممالک جهان مهیا ساخته باشد.

منابع

۱. افشار، ایرج (۱۳۴۹). کتاب‌های چاپی قدیم در ایران و چاپ کتاب‌های فارسی در جهان، تهران: انتشارات هنرمردم.
۲. امید، جمال (۱۳۶۳). عبدالحسین سپینتا زندگی و سینما، تهران: انتشارات بی‌بی‌نا بی‌تا.
۳. اوحدی، عبدالمجید (۱۳۵۰). تاریخ انجمن‌های ادبی اصفهان، اصفهان.
۴. آبادانی، فرهاد (۱۳۴۸). زندگینامه عبدالحسین سپینتا، تهران: انتشارات بی‌بی‌نا بی‌تا.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت، تهران: انتشارات خوارزمی.
۶. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۷). کتاب و کتابخوانی: تاریخ نشر کتاب در ایران، تهران.
۷. آنتوانوا، ک/ بونگاردلویین / کوتوفسکی، گ (۱۳۶۱). تاریخ نوین هند، ترجمه پرویز علوی، تهران: انتشارات بین‌الملل.
۸. براون، ادوارد (۱۳۳۷). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات معرفت.
۹. پارتاساراتی، رانگاسوامی (۱۳۸۸). روزنامه‌نگاری و مطبوعات در هندوستان، ترجمه داوود حیدری، تهران: انتشارات مطالعات و رسانه.
۱۰. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، تهران: انتشارات نشر دانشگاهی.
۱۱. توکلی‌طرقی، عبدالحسین (۱۳۸۳). سیر مطبوعات فارسی در هند، تهران.
۱۲. خانیکی، هادی (۱۳۹۰). مطبوعات ایران از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی، تهران: ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۱۵.
۱۳. رابینو، هل (۱۳۸۰). روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۳۹ شمسی، ترجمه جعفر خامی‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۴. رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۵). دانشنامه روزنامه‌نگاران استان اصفهان، اصفهان: انتشارات یاقوت سپاهان.
۱۵. زاهد، فیاض (۱۳۹۰). عصر طلایی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات خانه تاریخ.
۱۶. سپینتا، عبدالحسین (۱۳۳۴). دیوان اشعار عبدالحسین سپینتا، اصفهان: انتشارات گوهر.
۱۷. صدرهاشمی، سیدمحمد (۱۳۵۱). تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران: انتشارات کمال.
۱۸. فرجی، مهدی (۱۳۹۹). حبل‌المتین و ترقی ایران، تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
۱۹. قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹). مطبوعات ایرانی، تهران: انتشارات نشر علم.
۲۰. قاسمی، سید فرید (۱۳۹۷). جست‌نوشت و کتاب کاوی و مجله پژوهی و روزنامه شناسی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
۲۱. قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران، تهران: انتشارات مطالعات و رسانه.
۲۲. کسروی، احمد (۱۳۶۹). تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۳. محیط‌طباطبایی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات بعثت.
۲۴. مرادف، مراد (۱۳۹۸). نقش روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری ایران، تهران: فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۶.
۲۵. مسعودی، اکرم (۱۳۹۳). تاریخچه چاپ سنگی در ایران، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۲۶. مکی، حسین (۱۳۶۳). تاریخ بیست ساله ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۷. مولانا، حمید (۱۳۷۲). سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه تهران.
۲۸. مهدوی، سیدمصالح‌الدین (۱۳۳۴). تذکره شعرای معاصر اصفهان، اصفهان: انتشارات تایید.
۲۹. مهدوی، سیدمصالح‌الدین (۱۳۸۳). دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان: انتشارات گلدسته.
۳۰. نور علی‌اف، عبدالواسط (۲۰۰۱). تاریخ ژورنالیست کشورهای پارسی‌زبان، تاجیکستان: طبع دیوشتیچ.
۳۱. هادوی، مصطفی (۱۳۸۱). تذکره شعرای معاصر اصفهان، اصفهان: انتشارات سپاهان.
۳۲. یوسفی‌نیا، راضیه (۱۳۸۲). پیدایش و تحول مطبوعات در ایران از آغاز تا پایان مشروطیت، تهران: ماهنامه پیام بهارستان شماره ۲۴.
۳۳. روزنامه سپینتا، نامه‌های سپینتا، (شماره‌های برجای مانده).
۳۴. روزنامه مکرم (۱۳۴۸). شماره ۵۵۹.

۳۵. مجله ارمغان (۱۳۵۰). دوره ۳۸، شماره ۲.
۳۶. مجله وحید، زندگینامه عبدالحسین سپینتا، شماره‌های ۳ و ۵ و ۱۷.
۳۷. مجله یغما، در سوگ سپینتا، نوشته حبیب یغمایی، سال ۲۲، شماره ۲.

1. Ahan, A.A (2008). Historical study of Persian journalism in indian. Dihli: Educational Publishing House
2. Aslam Sidiqi (1947). Presian Press In India: indo-anica, Vol 2, No2.
3. Cohen, B (1963). The Pressand Foreign policy: Princeton, NJ: Princeton University Press: ISBN.
4. Browne, Edward Granville (1900). A Literary History of Persia; reprinted (Cambridge: University Press, 1948).
5. Llippman.w (1922). Public Opinion: Newyork. Macmilan.
6. Tahir, S.N and Baloch, M.A (2009). War of Independence 1857 and the Role of Urdu and Persian Newspapers.
7. <https://muse.jhu.edu/pub/3/article/777508>
8. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.>
9. [https://www.researchgate.net/publication/342902222.](https://www.researchgate.net/publication/342902222)

